

باسمه تعالی

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَزْوَاجِ الَّتِی
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ»

1- باز اربعین، اربعینی که به معنای حضور دیگری است، به گستردگی حضوری که حضور در همه تاریخ است نسبت به انسانیت گسترده‌ای که هرکس با اُنس با دیگر زوآر در خود احساس می‌کند.

2- هر سال و هر اربعین، نحوه بودنی است در مواجهه با افقی که بی‌منتها است، بدون دوگانگی دوری و نزدیکی نسبت به آن افق و آن حضور.

3- وای اگر در این زمانه که زمانه نسبت‌انگاری‌ها است، کربلا و اربعینی این‌چنینی در میان نبود، آن‌هم برای افرادی مانند ما که هیچ چیز برایمان در این دوران قابل سکنا نیست و هیچ جا و جایگاهی نمی‌تواند جواب طلبمان را بدهد مگر حضور ذیل شخصیت قدسی حضرت سیدالشهداء «علیه السلام».

4- هر سال اربعینی دوباره، یعنی امیدی دیگر و باز «حیرت» از این همه حضور. به همان معنایی که جناب مولوی در گزارش چنین حضوری فرمود: «حیرت اندر حیرت آمد این قصص». حیرت حضور در عین سرگردانی عقل از این همه عظمت. حضور در نسبت با انسان‌ها در عین احساس انسانیت خود در یگانگی با آن‌ها.

5- آیا راز تقابل غرب و غرب‌زدگان با رخداد اربعینی این‌چنینی در این تاریخ، به جهت احساس پوچی و نیست‌انگاری آزاردهنده‌ای نیست که اینان در خود احساس می‌کنند؟ و این یعنی به ظهور آمدن تقابل دو جبهه، یکی جبهه گرفتار روزمرگی و سرگردانی و دیگر جبهه راه‌یافته به ابعاد متعالی انسانی که متوجه حضور اکنون بیکرانه

خود شده است تا در تاریخی دیگر حاضر شود که دیگر تاریخ دنیای استکبار نیست و حضور در رخداد اربعینی این سالها عملاً حضور در جبهه ای است که جبهه مقابله با غرب و غربزدگان است.

6- پیاده روی اربعینی، حضوری است که تماماً حضور است، آنچنان که نمی دانیم چگونه باید آن را فهمید، در عین آن که به طور بدیهی آن را از درون قبول کرده ایم.

7- به دنبال چیز خاصی در این پیاده روی نیستیم، در عین اطمینان کامل به همین حضوری که در آن قرار داریم، به طوری که هیچ شک و تردیدی در میان نیست که اطمینان و آرامش ما را بر هم بزند. در هیچ کجا نمی توان حضوری قابل اطمینان تر از این حضور یافت. حضوری ژرف و رازآمیز.

8- تا آنجا که در مسیر هستیم، همواره منتظر چیزی هستیم، چیزی که گویا ما را از درون ندا می کند، بدون اندوه جدایی از خانه و کاشانه، به سوی هستی، که همان حضوری است که نزدیکترین است به ما و همچنان می خواهیم بیشتر در آن حضور حاضر شویم، حضوری که درونمان از آن حمایت می کند که باید همچنان در حضور باشی، حتی وقتی مشغول صحبت با دیگران هستی، باز هم همچنان آن حضور حاضر است.

9- به ما گفته اند: «وسعت دید، تنها در دگرگونی افقی دید ممکن است» چه اندازه این قاعده در دل پیاده روی اربعینی صادق است، آنگاه که هر لحظه افقی از حقیقت در صورتهای مختلف «خادم» و «زوار» به ظهور می آید. تا معلوم شود آری تا معلوم شود، «وسعت دید، تنها در دگرگونی افقی دید ممکن است» زیرا هم «خادم» و هم «زوار» افقی هستند گشوده در نسبت با همدیگر.

10- در پیاده روی اربعینی حضوری را احساس می‌کنیم که در برابر هیچ طوفانی و هیچ اتفاق و تنگنایی تغییر نمی‌کند، حتی در دل اتفاقات پیش‌بینی نشده می‌توان شاهد نوزایی حضوری دیگر شد، برای فراغ بال بیشتر و گشوده شدن جهانی گسترده‌تر تا آنچه را متوجه نبودیم به نمایش بگذارد و بسط دهد.

11- اهمیت حضور اربعینی این سال‌ها در آن است که انسان با نوعی از اندیشیدن و فکر کردن در خود آشنا می‌شود که گویا در جهانی حاضر شده که همگان به ملاقات همدیگر آمده‌اند، به طوری که انسان سنگینی دوگانگی‌هایی را که احساس می‌کرد و بنا داشت هر طور شده از آنها عبور کند، با قدرتی که هم اکنون در خود احساس می‌کند، می‌تواند از آنها عبور کند، قدرتی که قبلاً از آن خبری نبود.

12- در صحنه‌های اربعینی این سال‌ها، گویا ذات انسان است که به سوی انسان آمده تا خود را در دیگر انسان‌ها تکرار کند، در میدان «بودن» و «شدن» تا آنجایی که «بودن» خود را در «شدن» خود احساس کنیم، یعنی «هستم اگر می‌روم / گر نروم نیستم.»

13- در این صحنه‌های اربعینی، گویا غیب تماماً به ظهور آمده و بر هر چه می‌نگری اشاره‌ای است به امری که ظاهر نیست ولی در حرکات «خدا» و «زوار» به ظهور آمده. خداوندا! بر جان و جمال این پیرمرد که در حال چای ریختن است، چه چیزی به نمایش آمده که از بس فراحسی و متعالی است، مرا طاقت احساس آن نیست؟

14- چه کسی می‌گوید در این زمانه دیگر «حقیقت» قابل درک نیست و زمانه، زمانه پایان حقیقت است؟

ای کاش سری به اینجا در بین فرزندان اربعینی این تاریخ، می‌زد تا بنگرد در اینجا که همه با نظر به نور امام حسین «علیه السلام» در نزد همدیگر حاضرند، چگونه حقیقت پیشاپیش در صحنه حاضر است و در هر جا حاضر می‌شوی، حقیقت زودتر از ما در آن جا سُکنی گزیده¹ تا یک لحظه از آن محروم نباشیم. حتی در خانه‌های دور دست روستاهای اطراف این جاده و شوقی که صاحبان آن خانه‌ها را جهت پذیرایی از زوّار ابا عبدالله «علیه السلام» فرا گرفته.

15- ممکن است گمان کنی آنچه در زیارت اربعینی ابا عبدالله «علیه السلام» به صورت پیاده روی در میان است، همان سنت گذشته است؟ آری! همان سنت است، ولی آنچه در این زمانه اجرا می‌شود چیز دیگری است و هدف‌های دیگری به میان آمده، در آن حدّ که می‌توان گفت اگرچه آن اهداف به کلی نفی نشده‌اند ولی اگر در این تاریخ گام در این سفر گذارده‌ای، می‌بایی که آن اهداف به نوعی به اتمام رسیده‌اند، تا حضوری دیگر تجربه شود.

16- اگر حضور اربعینی این سال‌ها در عین حضور در سنت گذشتگان، اجرای جدیدی است با هدفی دیگر، پس نیاز به تعریف جدیدی دارد که انسان این زمانه بتواند حضوری را در خود احساس کند که گویا در همه جهان و در همه زمان‌ها حاضر شده است، به همان معنایی که اگر در مشرق زمین است، در مغرب زمین هم حاضر باشد تا در جایگاه انسان آخرالزمانی خود را احساس کند.²

1 - مشروط بر آن‌که با نگاه متافیزیکی به دنبال حقیقت نباشیم.

2 - حضوری که بنا به فرمایش امام صادق «علیه السلام» مؤمن در عصر قائم در حالی‌که در مشرق قرار گرفته، برادر خویش را که در مغرب است می‌بیند و همان‌گونه که در مغرب قرار دارد، برادر مؤمن خویش را در مشرق می‌بیند. (بحار الانوار ج 52 ص 391).

و نیز می‌فرمایند: هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان

17- انسان آخرالزمانی، انسانی است که با عالی‌ترین حضور، در تاریخ خود ایستاده است، گویا ذات جدیدی از انسان است که نه گرفتار زمین است و نه آنچنان آسمانی است که زندگی زمینی را رها کرده، بلکه انسانی است به وسعت حضور در زمین و آسمان و در رخداد اخیر اربعینی حاضر شده تا خود را بیشتر احساس کند و بقیه همسفران را اعم از «خادم» و «زوآار» که هنوز در دیروز خود حاضرند، متذکر حضور امروزین و جهانی‌شان بکند و آینده‌ای که در پیش است.

18- حضور اربعینی این سال‌ها، حضوری است برای برگشت خدا به مناسبات بشری که گمان کرده دیگر زمین جای ارزش‌های آسمانی نیست. در این حضور است که انسان متوجه می‌شود باز ارزش‌های معنوی همچنان در دسترس می‌باشند و قابلیت معیارشدن دارند در همین دوران که دوران بی‌ارزش شدن ارزش‌ها است.

19- اگر خداوند یگانه‌ای است که هیچ مخلوقی توانایی دسترسی به او را ندارد و «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» است، در تعجبم که چگونه این ناشناخته‌ترین موجود در مسیر اربعینی این سال‌ها این اندازه قابل دسترس شده، در میدان‌هایی که ایثار به اوج خود رسیده؟! مگر نه آن‌که انسان با ایثار می‌خواهد از هر داشتنی آزاد شود تا در هیچ‌شدن، خود را تجربه کند؟ آیا این ایثارها همان آینه‌های حضور اسمائی خداوند نیست که به ظهور آمده تا شما بیش از پیش با خدا آشنا و مأنوس شوید؟

20- اگر حضور خدا آنچنان بدیهی است که نیاز به واژه‌ای برای تعریف و شناختن او نداریم، پس چگونه است که همواره در هر کاری می‌توانیم او را احساس نماییم و به او استناد کنیم؟ به عنوان قابل اعتمادترین تکیه‌گاه و به یادآورندنی‌ترین مطلوب. امری که در پیاده‌روی اربعینی این سال‌ها به خوبی می‌توان آن را تجربه کرد.

21- امام حسین «علیه السلام» مردی که هیچ رغبتی به سروری بر دیگران نداشت، مهرورزی و بخشش را والاترین ارزش‌های انسانی می‌دانست، در عین شجاعت و بی‌باکی و عدم ترس.

کیست که نداند در حرکت به سوی کربلا با مردی روبه‌رو هستیم که در او «شجاعت» و «حکمت» در حد کفایت موجود است تا ما در امروز خود در نسبت با او به خود بیندیشیم؟ گوش جان به او بسپاریم تا آهسته‌آهسته نغمه‌ای به گوش جان‌مان برسد که هرگز سستی و دون‌مایگی و تحقیر دیگران با فضیلت و یگانگی با دیگر انسان‌ها نمی‌سازد. آن یگانگی که این روزها در رخدادهای اربعینی می‌توان در نسبت همه با هم، به‌خصوص در نسبت خادمان و زوّار احساس کرد.

ما آمده‌ایم تا در این رخداد اربعینی با جهانی سراسر دروغ، در هر لباسی که باشد، همانند مولایمان مقابله کنیم تا انقلاب اسلامی با باطن نورانی خود که وجدان تاریخی بشریت را فراگرفته، همچنان ادامه یابد و وجدان انسان‌ها را به خود آورد که راه نجات، راهی نیست که عده‌ای رانت‌خوار پیشه کرده‌اند، بلکه راه نجات، راهی است که خادم و زوّار در بستر تاریخی که با انقلاب اسلامی ذیل حضور شهدا شروع شده، یافته‌اند و حضور در پیاده‌روی اربعینی تمرین حضور در راهی است که شهدا خود را در آن تجربه کردند.

22- تمام تلاش امام حسین «علیه السلام» آن است که گفت و شنودی ذیل قرآن به جامعه برگردد و مردم با توجه به این امر در کنار همدیگر قرار گیرند و برای برگشت به چنین سنتی از هر فداکاری و ایثاری نباید فروگذار کرد. مثل ایثاری که خدام در اربعین این سالها به عهده گرفته اند.

اگر صلح اندیشی گوهری است که در نهضت امام حسین «علیه السلام» حرف اول را می‌زند و حقیقتاً چنین است، باید متوجه بود ذیل سایه صلح اندیشی، آزاداندیشی ظهور می‌کند و سوء تفاهم و تنگنظری جای خود را به همدلی و تفاهم می‌دهد و در نتیجه جامعه توحیدی به معنای واقعی آن ظهور می‌کند.

قصه با خود بودن مولایمان در سخنانی که در چاه با خود می‌گفتند، در این رخداد اربعینی پیش آمده است، به همان معنایی که همه، انعکاس یک حضور هستیم. گویا آنچه بر رفا می‌گذرد، قصه همدیگر است. آیا جای دیگری هست که ما در عین آنکه پیش خود هستیم، با هم باشیم؟ اینجا است که گویا در کنار هم بودن، عین تنهایی است و در تنهایی بودن، عین حضور در جهان رفقا است حتی اگر از همین امروز لب فرو بندیم و تا قیام قیامت، هیچ سخنی نگوئیم.

23- اگر امری غیر از این حضور را حضور می‌دانید، که حضور در تاریخی است جدید در بستر انقلاب اسلامی به سوی انسان‌ترین انسان، یعنی حضرت سیدالشهداء «علیه السلام»، به گمانم بی‌جا در این راه گام نهاده‌ای، زیرا آن کس که نوآفرینی می‌خواهد، ابتدا باید بر هر آنچه پشت‌کردنی است، پشت کند تا راهی در مقابلش گشوده شود که نهایی‌ترین حضور است با نظر به انسانی‌ترین انسان. بودنی که ماورای آن بودنی نیست، هرچند

در ابتدا در اجمال باشد و به مرور به تفصیل در آید.

24- این حضور که در حرکت اربعینی این سالها به میان آمده، حضوری است به عنوان اعلان جنگی فراگیر، بر ضد همه آموزه‌های دروغین، جنگ با ارزش‌های باطلی که تحجر و تجدد هر دو مسبب آن‌اند. پیکاری ضد تمامی سستی‌ها با خیزش انسان‌هایی که به مولای‌شان امام حسین «علیه السلام» اقتداء کرده‌اند که خویشان را برای نشان دادن حقیقت قربانی کرد. «فما بلغ ما بلغ» هرچه می‌خواهد بشود، حتی به قیمت شهادت فرزندان این حضور و اسارت زنان و فرزندان. باز این مائیم در نزد خود و در نزد دیگر انسان‌های آزاده حاضریم.

هستند انسان‌هایی تن‌پرور و فروتن که شگون بد می‌زنند زیرا مردم را نمی‌فهمند، اما این حضور، حضور در تاریخی است که با انقلاب اسلامی آغاز شده و همچنان ادامه می‌یابد تا نظامی هر چه مردمی‌تر به میان آید. وقتی مردم خود را در حرکت اربعینی احساس کردند که چه اندازه به هم نزدیک‌اند حتی اگر از کشورهای مختلف و نژادهای مختلفی باشند.

25- حضور در رخدادهای اربعینی این سالها، حکایتی است از درک تمثایی که انسان در این زمانه در درون خود احساس می‌کند و به دنبال راهی است تا آن تمثا را در آن راه احساس کند، تمثای هویتی قدسی در عین حضور جهانی، امری که اگر تا دیروز حرکات دینی خود را در منظر مردم انجام می‌دادی، صورت ریا به خود می‌گرفت و امروز نوعی سلحشوری و حماسه‌سازی است برای حضور در آینده‌ای دیگر، غیر از آینده‌ای که جهان مدرن نسبت به آن گرفتار تردید شده. زیرا این‌جا، جای و جایگاه اجرای

امر خداوند است که فرمود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» آمده اند تا با هویتی جمعی به ریسمان الهی چنگ بزنند تا نمایش امت واحد باشند.

26- رخداد اربعینی این سالها، پنجره‌ای شده برای آن‌که ما شیعیان، به‌خصوص ما ایرانیان، تا جهان مدرن را درست بفهمیم، جهانی که تا دیروز با نوعی شیفتگی به آن می‌نگریستیم. در حالی‌که امروز متوجه شده‌ایم جهان در وضعیت جدید خود بیرون از ایران نیست و آینده جهان به نقش ایران در بستر انقلاب اسلامی پیوند خورده است و در این راستا و با توجه به این حضور، مردم ما در پیاده‌روی اربعینی حاضر می‌شوند که نوعی آمادگی است برای حضور در نظم جهانی پیش رو.

27- باید متوجه بود؛ انسان آخرالزمانی، انسانی است که از سیطره اندیشه‌های معمولی که امکان تردید در آن‌ها هست، رهایی یافته تا با اصلترین اصلها روبه‌رو شود که انسانیت کامل است، انسانیتی که بالاتر از آن ممکن نیست و این یعنی اولیای الهی در نمادهایی همچون علی «علیه السلام» و سیدالشهداء «علیه السلام»، و لازمه چنان حضوری عبور از هر آن چیزی است که در آن توهمات ساخته ذهن پنهان است، حضوری که مانع می‌شود تا انسان در گرداب نومیدی و انکار فرو غلتد. حضوری که این روزها می‌توان در حرکت اربعینی آن را تجربه کرد و از آن به بعد با آن حضور در همه زندگی به‌سر برد.

28- انسان آخرالزمانی هرچه می‌تواند از بستر هستی خود که عین اتصال به خالق هستی‌ها است، اندیشه‌های تازه که مطابق روح نهایی‌ترین انسان است می‌آفرینند، نه آن‌که به مطالبی بپردازد که باور به آن مطالب آسان باشد ولی در آن مطالب جواب نهایی‌ترین طلب حاضر نباشد. آیا می‌توان به

کربلا و به امام حسین «علیه السلام» نظر کرد و در بستر هستی خود که عین اتصال به خالق هستی‌ها است، ظاهر گشت تا گفتی به عمق همه بودن، بر زبان آید و خود را در آن کلمات احساس کنیم؟ کلماتی که حکایت حضور توحیدی انسان است.

29- کجا است حضوری که انسان بتواند در آن حضور دو گام پی در پی بردارد و همچنان استوار، آزاد از توهمات به راه خود ادامه دهد؟ تا بیش از آن که بخواهد تنها بر خودخواهی‌های فردی خود غلبه کند، خود را بیش از این حرف‌ها ادامه دهد، با گستردگی تمام. آیا اگر کربلا نبود امیدی و امکانی برای حضور چنین انسان‌های آزادی در این زمانه می‌رفت؟ پیاده روی اربعین برای عبور از آن احوالاتی است که خود را محدود کرده باشیم به خوبی‌های فردی و نتوانسته باشیم با حضور در تاریخی که با انقلاب اسلامی پیش آمد، بیش از این‌ها شویم که بودیم. آری! آن خوبی‌ها که تا دیروز داشتیم، بد نبود ولی برای این زمانه و برای عبور از منافع فردی و عبور از شهرت‌های کاذب، کم است وگرنه خواسته یا ناخواسته انسان‌های آزاده‌ای را که فرزندان انقلاب‌اند، مجبور به استعفا می‌کنیم.³ و البته باز این انقلاب اسلامی است و حضور اربعینی مردمی که برای حضور در آینده این انقلاب «ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزادند» ما برای حاضر شدن به حضوری عمیق‌تر، گام در این راه گذاشته‌ایم. امید است فردا با نمایندگانی روبه‌رو شویم بسی بلند قامت‌تر.

30- آنانی که کنار مردم نیستند در اینجا یعنی در این حضور اربعینی، جایی ندارند. اینجا جای

³ - اشاره به اصرار نمایندگان مجلس به برکناری آقای محمدرضا غلامرضا، معاون سیاسی وزارت کشور دولت سیزدهم.

نیکان دادگری است که زمین را به آسمان متصل می‌کنند تا سیاست را با دیانت همراه نمایند.

درخششی در جان انسان‌هایی که قدرت را با عدالت همراه می‌کنند، پدید آمده تا آینده، نه آینده اربابان باشد و نه آینده بردگان؛ آینده‌ای باشد که نماد آن امام شهیدی است که فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ تَرَكَنِي بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ

هَيْهَاتَ لَهُ ذَلِكَ مِنِّي هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ»؛ این

فرومایه (عبیدالله بن زیاد)، فرزند فرومایه‌ای دیگر (زیاد بن ابیه)، مرا بین دو راهی کشته شدن با شمشیر و یا قبول خواری قرار داده است؛ هیهات که ما زیر بار ذلت و خواری برویم. و دیدند که آن امام راه سومی را انتخاب کرد که باید آن راه را راه مردم نامید و از این رو شما در رخداد اربعینی این سال‌ها تنها مردم، آری! تنها مردم را می‌گیرید که به میان آمده‌اند تا مردم‌سالاری دینی را محقق کنند، با حضوری که فاصله زیادی با دموکراسی غربی دارد.

31- راستی چرا حرکت مردمی رخداد اربعینی این سال‌ها به مذاق غرب‌گراها نمی‌سازد؟ غرب‌گرایی که حاضر بودند آمریکا و اروپا سال‌های متمادی، هرکس را که مایل بودند بر ما حاکم کنند و همچنان اجازه ندهند مردم سرنوشت خود را خودشان به دست گیرند؟ آیا جز این است که این غرب‌گرایان با مردم، آری! با مردم و با استقلال کشور دشمن‌اند؟ به طوری که هویتی برای این مردم قائل نیستند. حال مائیم و آینده‌ای که مردم در حال حضور در مناسبات اجتماعی هستند. به طوری که ملاحظه می‌کنید چگونه فرهنگ اربعینی قواعد و ساختارهای اقتصاد متعارف را به چالش کشیده است، و قواعد بازار و تجارت و رابطه عرضه و

تقاضا و سود و زیان کارکرد متفاوتی به خود گرفته. و نفع شخصی جای خود را به نفع اجتماعی و ایثار داده است. در این فرهنگ خدمات اجتماعی فقط وظیفه دولت نیست و عرضه‌کنندگانی که توان رقابت ندارند از بازار خارج نمی‌شوند زیرا هدف عرضه‌کننده فقط کسب سود نیست و هدف تقاضاکننده نیز فقط مطلوبیت مادی نمی‌باشد. اقتصادی که پیوند با فرهنگ دارد؛ آن هم فرهنگی از نوع توحیدی‌اش! این است آنچه در پیش است، در تاریخی که ادامه تاریخ غربزدگی ما نیست.

32- آری! وقتی خداوند در بعضی از زمان‌ها از الطاف خود، به جهت غفلت انسان‌ها از اولیای الهی خودداری می‌کند، انسان‌ها از زمان و تاریخ خود بیرون می‌افتند و برای اینکه در این غفلت نمانند، نادانسته به تکرار عادات و مشهورات و مطالب گذشته می‌پردازند در حالی که اگر آن مطالب، دیروز هم معنایی داشت، اکنون که از دیروز گسیخته است و با فردایی هم که در پیش است، نسبت ندارد، از معنای اصلی تهی شده و حال که به یک معنا ارزش‌های گذشته بی‌معنا شده‌اند، مائیم و حضور در تاریخی که بازگشت بشر جدید است به خدا در دل انقلاب اسلامی و رخداد اربعینی که در این سال‌ها طلوع کرده است برای آن است تا ما در امروز خود در اتصال به کربلا و به شخصیت حضرت سیدالشهداء «علیه السلام»، در آینده‌ای حاضر شویم که به عنوان تاریخ آخرازمانی به ما خبر داده‌اند. آینده‌ای که انسان به وسعت حضور «بالحقی» خود در نزد خود و در نزد دیگر انسان‌ها حاضر است، در جهانی به گشودگی توحید الهی. در نسبت خود با خدا در هویت فردی و در نسبت خود با خدا در هویت اجتماعی به حکم «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ

اللَّهِ جَمِيعًا» که این همان حضور ذیل اراده الهی است در نسبت با جامعه و تاریخ.

33- پیروزی بر ارزش‌های اشرافی و دنیایی با دگرشدن از طریق ارزش‌های استوار و متعالی، برای خود راهی می‌شود تا توانایی‌های انسانی و ایمانی به جامعه برگردد و بر ایمان دیروز افزوده شود با روحیه‌ای همراه با شجاعت و بی‌باکی، در مقابل نیرنگ و پلیدی، تا انسان‌ها زندگی را احساس کنند که چه اندازه انسان در این راه با نیروهای نهفته خود که همان پدیده «صبر» است روبه‌رو می‌شود و آشکارا بر بیماری ترس و عدم توکل در راه توحید فائق می‌آید. پیروزی بر بیماری دون‌مایگی و حيله‌گری، امری که در مسیر پیاده‌روی اربعین زشتی آن از هر زمان، بیشتر احساس می‌شود، زیرا انسان در جهانی دیگر حاضر شده است که نه جهان عبیدالله زیاد است و نه جهان توأبین عقبمانده از آن حضور تاریخی.

آیا برای عبور از تاریخ سراسر نیرنگ فرهنگ مدرنیته می‌توان به راهی که در این اربعین‌ها مقابل ما گشوده شده است، چشم‌پوشی کرد و آن را نفهمید؟ راهی که همه ابعاد زندگی در نسبت با همدیگر به ظهور می‌آید، بدون آن‌که بخواهیم به نام توسعه به روش غربی، عواطف زندگی را زیر پا بگذاریم.

34- وقتی رغبت به زندگی در انسان می‌میرد که زندگی را به پایین‌ترین شکل آن که فروافتادن در توهمات دنیایی است، تقلیل دهیم و متوجه حضوری که حضور در بیکرانه توحید است در میدان‌های ظهور انوار توحیدی، نگردیم و این یعنی عدم حضور در حماسه‌ای که تندبادِ طلب، در نهایی‌ترین حضور در این زمانه با انقلاب اسلامی و پیرو آن در رخداد اربعینی پیش آورده است. تندبادی که خداوند به

حرکت در آورده تا هرکس خواست در زمانه ظهور ایمان در ایمان وارد شود، خود را به آن بسپارد، بدون آنکه تفصیلاً بداند بنا است تا کجاها جلو برود. همین اندازه می‌توان احساس کرد که: «پَرّ کاهی است در مصاف تند باد / خود نداند در کجا خواهد فتاد.»

35- دیروز آنچه در مقابل امام حسین «علیه السلام» سر بر آورد، کینه امویان بود بر قرشیان، یعنی بر حضرت محمد «صلوات الله علیه و آله» و علی «علیه السلام» و این امام حسین «علیه السلام» است که با صفای شخصیت خود کینه ورزی آنان را آشکار می‌کنند تا گمان نشود آن مقابله، مقابله دو گروه از انسان‌های عادی هستند، مانند جنگ‌هایی که در طول تاریخ پیش آمده و یا پیش می‌آید.

امروز نیز باز همان مقابله و کینه ورزی پیش آمده؛ مقابله دشمنان انقلاب اسلامی با هر انسانی که از جبهه آنان نباشد و جبهه‌ای سراسر مردمی که مأمور ترویج دوستی و ایثار است، تا معلوم شود آنکه امروز در مقابل این جبهه ایستاده، سراسر وجودش مملوّ از کینه است و این‌جا است که فتح تاریخی شکل می‌گیرد، زیرا جبهه مقابل جبهه مردمی این زمانه، هیچ منطقی در شعار «زن، زندگی، آزادی» ندارد، مگر اتهام و دروغ، و گرنه چرا به زنان محجبه به عنوان دشمنان خود می‌نگرند؟! آیا حضور مردمی اربعینی این سال‌ها حکایت حضور مردمی نیست که بنا متوجه هستند: «عالمی دیگر نباید ساخت و ز نو آدمی»؟

از خداوند تقاضا نمودیم ما را متوجه حضوری تاریخی که در نظر به امام حسین «علیه السلام» در این رخداد اربعینی پیش آمده، بگرداند تا متوجه ابعاد باطنی این حرکت بگردیم تا حضور آن امام

شهید را با اتصال به دیروز و امروز و فردای
خود بیابیم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته